



Review of Rewriting and Re-Creation of Old Verses of Persian Literature for Children in the 80s and 90s with an Emphasis on Bostan Saadi

Akram Jafari Rad¹, Fatemeh Ghafuri Mehdiabad^{2*}, Pooran Yosefipour Kermani²

¹ Ph.D Student of Persian Language and Literature, Anar Branch, Islamic Azad University, Anar, Iran

² Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Anar Branch, Islamic Azad University, Anar, Iran

* Corresponding author: fatemeghafuri4643@gmail.com

Received: 2024-12-20

Accepted: 2025-01-28

Abstract

With the growth of children's and adolescent literature in recent decades, in addition to creating new works, rewriting and recreating old works for this age group also began, and these stories created a new form of children's and adolescent literature in Iran. It is clear that connecting Iranian children and teenagers with their proud past and reacting to the wave of translation from Western children's literature was the reason and motivation to turn to ancient literature. The purpose of this research was to examine the rewriting and re-creation of ancient Persian literary verse texts for children in the 80s and 90s with an emphasis on Bostan and Golestan Saadi. Fatemeh Naderi recreates the lessons and important moral and human points in Saadi's works using a beautiful and meticulous language. This book not only allows the reader to get acquainted with beautiful stories, but also reflects on important life issues through attractive lessons. In the parts of the book that he sees necessary, the author first gives a brief explanation about the characters in the story and then explains about their behavioral characteristics in order to familiarize his teenage audience with his character, then he begins his story with a pleasant language. It seems that the author has tried in this book not to limit himself to rewriting and actually simplifying the anecdotes, and instead of the anecdotes, according to the needs of his teenage audience, he has entered and given explanations to inform his audience more. Despite the hindsight in this story, this story cannot be considered out of chronological order, and in this sense, this book includes the interests of contemporary children.

Keywords: Rewriting, Teenagers, Children, Saadi

© 2019 Journal of New Approach to Children's Education (JNACE)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Ghafuri Mehdiabad, F, et al . (2025). Review of Rewriting and Re-Creation of Old Verses of Persian Literature for Children in the 80s and 90s with an Emphasis on Bostan Saadi. *JNACE*, 7(2): 86-97.





بررسی بازنویسی و بازآفرینی متون منظوم کهن ادب فارسی برای کودکان دهه‌های ۸۰ و ۹۰ با تأکید بر بوستان سعدی

اکرم جعفری راد^۱، فاطمه غفوری مهدی آباد*^۲، پوران یوسفی پور کرمانی^۲

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، انار، ایران

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، انار، ایران

* نویسنده مسئول: fatemeghafuri4643@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹

چکیده

با رشد ادبیات کودک و نوجوان در چند دهه اخیر، علاوه بر خلق آثار نو، بازنویسی و بازآفرینی آثار کهن برای این گروه سنی، نیز آغاز شد و این داستان‌ها، شکل جدیدی از ادبیات کودک و نوجوان را در ایران به وجود آورد. روشن است پیوند دادن کودکان و نوجوانان ایرانی با گذشته افتخار آمیزشان و واکنش در مقابل موج ترجمه از ادبیات کودکان غربی سبب و انگیزه‌ای در رو آوردن به ادبیات کهن بود. هدف این پژوهش، بررسی بازنویسی و بازآفرینی متون منظوم کهن ادب فارسی برای کودکان دهه‌های ۸۰ و ۹۰ با تأکید بر بوستان و گلستان سعدی بود. فاطمه ندری با استفاده از زبانی زیبا و موشکافانه، عبرت‌ها و نکات مهم اخلاقی و انسانی موجود در آثار سعدی را بازآفرینی می‌کند. این کتاب نه تنها به خواننده امکان می‌دهد تا با داستان‌های زیبا آشنا شود، بلکه از طریق پندآموزی‌های جذاب، به تأمل و تفکر درباره مسائل مهم زندگی می‌پردازد. نویسنده در بخش‌هایی از کتاب که نیاز به توضیح مختصری درباره شخصیت‌های داستان می‌دهد و سپس درباره ویژگی‌های رفتاری شان توضیح می‌دهد تا مخاطب نوجوان خود را با شخصیت وی آشنا سازد، سپس با زبانی دلنشین داستان خود را آغاز می‌کند. به نظر می‌آید نویسنده در این کتاب کوشیده است تا تنها به بازنویسی و در واقع ساده نویسی حکایات اکتفا نکند و در جای جای حکایات، به اقتضای مخاطب نوجوان خود، وارد شده و توضیحاتی برای اطلاع بیشتر مخاطبش می‌دهد. به رغم گذشته نگری در این داستان، نمی‌توان این داستان را خارج از نظم زمانی دانست و از این نظر این کتاب در برگزیده علایق کودکان معاصر نیز هست.

واژگان کلیدی: بازنویسی، نوجوانان، کودکان، سعدی

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان محفوظ است.

شبهه استناد به این مقاله: جعفری راد، اکرم؛ غفوری مهدی آباد، فاطمه؛ یوسفی پور کرمانی، پوران. (۱۴۰۴). بررسی بازنویسی و بازآفرینی متون منظوم کهن ادب فارسی برای کودکان دهه‌های ۸۰ و ۹۰ با تأکید بر بوستان سعدی. فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان، ۷(۲): ۸۶-۹۷.

مقدمه

است؛ برای نمونه شاهنامه فردوسی بازآفرینی متون کهن است، یا مولوی، در آفرینش مثنوی، آثار عطار و سنائی را الگوی کار خود قرار داده است. حافظ نیز در بسیاری از اشعار خویش به پیشینیان توجه بسیار کرده است (Chapman & Chapman،

یکی از گونه‌های ادبی در ادبیات کودک و نوجوان، که کاربرد بسیاری در این گستره دارد، بازنویسی و بازآفرینی متون کهن است. بازنویسی و بازآفرینی متون مختلف از دیرباز رایج بوده

است. بازنویسی و بازآفرینی متون مختلف از دیرباز رایج بوده است و هنوز هم در ادبیات کودک جایگاه خود را حفظ نموده است (یوسفی، ۱۳۹۵). بازآفرینی متون کهن ادبی برای کودکان با کار مهدی آذریزدی آغاز شد و نویسندگانی چون جعفر پایور راه او را ادامه داده و در مجموعه مقالات خود به طور مفصل انواع و گونه های بازنویسی و بازآفرینی را مطرح کرده است (دسترنج و ریاحی زمین، ۱۴۰۲).

در مورد موضوع حاضر برخی مطالعات انجام شده است. ستاری، پاشایی فخری، عادل زاده (۱۴۰۱)، در پژوهشیه آسیب شناسی بازنویسی های مثنوی مولوی در کتاب های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سطح زبانی و فکری" پرداختند. نویسندگان نتیجه گرفتند که انتخاب واژه های کهن بدون معنی، آوردن ابیات مثنوی بجای بخشی از روایت داستانی، ساختار دستوری کهن، واژه ها و اصطلاحات عامیانه در سطح زبانی و عدم توجه به محتوای تعلیمی آموزشی مولوی و تغییرات نابجای اصل محتوای حکایتها، از آسیب های اصلی بازنویسی مثنوی در این کتابها است. نجفی بهزادی (۱۴۰۱) در پژوهشی نشان داد که نوع پوشش، رنگ لباس و طراحی شکل ظاهری شخصیتها با متن اصلی و نگاره های شاهنامه چندان مطابقت ندارد و مخاطب کودک با تصاویر متفاوتی از شخصیت زال در داستانها مواجه می شود.

آقانوری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی در جهت الگویی گام به گام برای بازنویسی مثنوی برای کودکان ۷-۱۲ سال نتیجه گرفتند که استخراج مقاصد اصلی مولوی از سرایش مثنوی از منابع معتبر و علمی، فهم بافت و موقعیت داستان در کلام مولوی، به کارگیری وزن مثنوی، حذف داستان های فرعی، استفاده از راوی دوم شخص در زاویه دید، تکمیل شدن پایان داستان توسط خود کودک و ... از جمله مباحثی است که با نظر به آرای تربیتی و ویژگی های منحصربه فرد مثنوی به طور ویژه در باب بازنویسی مثنوی مولوی مطرح شده و از یافته های این پژوهش به شمار می رود. مهدوی آرا (۱۴۰۰) در پژوهشی نتیجه گرفت که برخی بازنویسان دانش کافی را در ساده سازی متون دینی دارا نبوده و در اغلب اوقات خود را پایبند جنبه های تاریخی اثر کرده و از به کار گرفتن برخی جنبه های هنری مثل سبک نگارشی خلاق، استفاده ی مؤثر از عناصر داستان و غیره غفلت ورزیده اند. در این بین، عدم هماهنگی بازنویس با تصویرگر در فرآیند چاپ، تصویرگری این گونه داستانها را گاه با چالش های جدی مواجه کرده است. نجفی بهزادی (۱۳۹۹) در پژوهشی نشان داد داستان خسرو و شیرین به دلیل استفاده از شگردهای شکاف گويا، فضا سازی درون متنی، چندصدایی در متن و ارائه پیام داستان به صورت پنهان، بازنویسی خلاق محسوب

در قرن اخیر، بازآفرینی متون کهن ادبی برای کودکان تقریباً با کار مهدی آذریزدی آغاز می شود. پس از او نویسندگان خوش ذوق دیگری نیز این کار را ادامه داده اند، از جمله دکتر جعفر پایور، در مجموعه مقالات خود، مفصل، انواع و گونه های بازنویسی و بازآفرینی را بیان کرده است. برای آشنا شدن با مفهوم بازنویسی، می توان گفت گاه نویسنده، در تألیف یک متن، با افکار و باورها و یافته های خود بدون آنکه متن خاصی را الگوی کار خود سازد، جهانی از واژگان می آفریند (آقانوری، ریسی، میرباقری فرد، حیدری، ۱۴۰۰). البته، پیش زمینه های ذهنی نویسنده را هیچ گاه نمی توان نادیده انگاشت. اما نکته این است که در این نوع متن خاصی الگوی نویسنده نبوده است؛ اما زمانی ممکن است نویسنده متنی را الگوی کار خود سازد و یا قصد بازسازی یک متن کهن را داشته باشد که در این صورت به حوزه بازنویسی و بازآفرینی متون وارد می شود (نجفی بهزادی، مهری، علیخانی، ۱۳۹۷).

نویسنده بازنویس متنی قدیمی را که دارای واژگانی نامأنوس و نا آشناست، با تغییر واژگان آن را ساده می کند تا برای مخاطب امروزی قابل درک شود. در این نوع، نویسنده آراء و عقاید خود را در متن وارد نمی کند. بازنویسی انواع مختلفی دارد که عبارت است از: بازنویسی ساده؛ بازنویسی خلاق؛ بازنویسی همراه با بازآفرینی - که در دو نوع آخر تا حدودی نویسنده در متن اولیه تغییرات خلاقانه ای ایجاد می کند. گفتنی است نویسنده بازآفرین در متن بازآفرینی شده فقط به ساده کردن متن اکتفا نمی کند؛ او به ساختن دوباره متن می پردازد و در آن ایدئولوژی ها و عقاید خود را وارد می سازد. اگرچه این متن بازنویسی است، تألیف به شمار نمی آید (اخوت، ۱۳۸۹).

بازآفرینی به متون قدیمی محدود نمی شود و می توان هر متنی را بازآفرینی کرد. دانستن تعریفی از انواع بازنویسی و بازآفرینی برای آن است که گاه با عنوان بازنویسی به آثاری می رسیم که آنها را نه می توان بازنویسی انگاشت و نه بازآفرینی، بلکه فقط قطعات بریده شده ای هستند که گاهی حتی واژگان آن متون هم ساده نویسی نشده اند (ده بزرگی، ۱۳۹۷). نویسندگان از بازنویسی و بازآفرینی متون مقاصد مختلف و گوناگونی دارند. گاه نویسنده های قصد دارد تا کودکان را با متنی قدیمی آشنا سازد؛ در این صورت، با ساده کردن آن اثر و البته با حفظ زیبایی اثر آن متن را بازنویسی می کند. گاه نیز نویسنده درون مایه ویژه ای در نظر دارد و متنی را می یابد که قابلیت پذیرفتن چنین درون مایه ای را دارد؛ در این صورت، ایدئولوژی و طرح خود را در متن وارد می کند و متن اولیه را دگرگون می سازد (پایور، ۱۳۸۸).

یکی از گونه های ادبی گسترده و کاربردی در ادبیات کودکان و نوجوانان، بازنویسی و بازآفرینی متون منظوم و کهن ادب فارسی

مطالعه‌ی استنادی و کتابخانه‌ای متکی است. استناد و مکتوبات کتابخانه‌ای به دو دسته منابع دست اول و منابع دست دوم تقسیم می‌شوند. اغلب کتب و مقالات و پایان نامه‌ها استناد دست دوم تلقی می‌شوند. ارزش منابع دست دوم آن است که خود چندین منبع دیگر را نیز در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند منابع دست اول نیز منابعی هستند که نتیجه‌ی تلاش‌های مستقیم محقق و نویسنده هستند مثلاً گزارش تحقیق یک محقق از جمله منابع دست اول محسوب می‌شوند. از آنجا که در منابع دست دوم ممکن است نویسنده برداشت خاصی را بنا به سلیقه و نظریات شخصی از منبع دست اول ارائه داده باشد؛ لذا در مواردی بهترین راه برای پژوهشگر مراجعه‌ی مستقیم به منابع دست اول است. در مرحله اول با مراجعه به کتابخانه‌ها، سایت‌های معتبر، مقالات و اسناد مشابه متون بازنویسی و بازآفرینی شده از بوستان سعدی برای کودکان دهه ۸۰ و ۹۰، انتخاب گردید. در مرحله بعد با کمک فیش‌برداری، مقوله‌بندی و دسته‌بندی هر یک از متون سعی گردید تفاوت بازنویسی و بازآفرینی متون منظوم کهن ادب فارسی در آثار گذشتگان، آثار منظوم مورد توجه نویسندگان در ارتباط با بازنویسی و بازآفرین، جنبه‌هایی مختلف بازنویسی و بازآفرینی متون منظوم کهن فارسی، جنبه آموزشی برای کودکان در بازنویسی و بازآفرینی متون منظوم کهن فارسی، بازنویسی و بازآفرینی متون منظوم کهن فارسی با توجه به هدف سرگرمی و تفریح برای کودکان مورد شناسایی، بررسی و تحلیل قرار گیرد.

یافته‌ها

بررسی کتاب « قصه‌های پند آموز بوستان و گلستان » اثر فاطمه ندری

بوستان سعدی یا سعدی‌نامه نخستین اثر سعدی است که کار سرودن آن در سال ۶۵۵ هجری قمری پایان یافته‌است. سعدی این اثر را زمانی که در سفر بوده است، سروده و هنگام بازگشت به شیراز آن را به دوستانش عرضه کرده است. این اثر در قالب مثنوی و در بحر متقارب سروده شده و از نظر قالب و وزن شعری حماسی است، هر چند که از نظر محتوا به اخلاق و تربیت و سیاست و اجتماعیات پرداخته‌است. هنر نویسندگی سعدی در کنار همین مضامین بلند اخلاقی و اندیشه‌های والای عرفانی و نکته‌های لطیف حکمت آموز مزید بر زیبایی آثار اوست. شاید به جهت مضامین همین تعلیمی و اخلاقی اوست که در سالهای اخیر نویسندگان بسیاری به بازنویسی و بازآفرینی آثار سعدی خاصه بوستان پرداخته‌اند. کتاب «قصه‌های پندآموز بوستان و گلستان» اثر فاطمه ندری، یک اثر فوق‌العاده است که از دیگر آثار بزرگ ادبیات فارسی، یعنی بوستان و گلستان

می‌شود و داستان‌های بازنویسی شده لیلی و مجنون و ویس و رامین، بازنویسی ساده از متن کهن برای نوجوانان هستند. فاضلی، نصرافهانی (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند که بازنویسان در حوزه زبانی بدون در نظر گرفتن ویژگی‌ها و توانایی‌های زبانی مخاطبان خود در مراحل سنی مختلف، فقط به ساده کردن زبان متن اصلی توجه کرده‌اند. در حوزه محتوایی اغلب بازنویسان به ویژگی‌های ذهنی، عاطفی و اجتماعی مخاطبان خود توجه کرده‌اند اما از نظر فنی در بازنویسی‌ها چندان خلاقیت و ابتکاری در مقایسه با متن اصلی دیده نمی‌شود و بازنویسان بیشتر داستان‌ها را با همان چارچوب متن اصلی و فقط با زبانی ساده بازنویسه‌اند

با توجه به اهمیت ادبیات کودک و نوجوان و نیز اهداف نویسندگان جهت آشنایی کودکان و نوجوانان با متون ادبی کهن، بازنویسی و بازآفرینی اهمیت ویژه‌ای یافته است و شناخت درست متون کهن و درک درست آنها از ارکان اصلی بازنویسی و بازآفرینی موفق است که باید با توجه به مقطع سنی کودک و نوجوان نیاز او و دایره واژگانی آنها و حفظ مضمون اصلی و درونمایه آثار کهن انجام شود. و از آنجا که تا کنون پژوهشی به صورت مستقل و گسترده در ادبیات در این زمینه صورت نگرفته است این پژوهش می‌تواند در نوع خود ارزشمند و جدید باشد. از نتایج این پژوهش سازمان آموزش و پرورش برای درس نگارش در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم دوره متوسطه دوم در رشته تخصصی ادبیات فارسی می‌تواند استفاده کند. بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی بازنویسی و بازآفرینی متون منظوم کهن ادب فارسی برای کودکان دهه‌های ۸۰ و ۹۰ با تأکید بر منطق الطیر عطار و بوستان سعدی است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و روش انجام آن توصیفی-تحلیلی با رویکرد تحلیل کیفی می‌باشد. در بررسی کیفی به تحلیل داده‌ها و آزمون‌ها برای کشف معنا پرداخته می‌شود. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شد. در بخش کیفی و روش اسنادی سعی خواهد شد داستان‌های بازنویسی و بازآفرینی شده شاهنامه فردوسی، مثنوی مولوی، منطق الطیر عطار و بوستان سعدی برای کودکان دهه ۸۰ و ۹۰ بررسی و تحلیل شده است. جامعه آماری پژوهش شامل داستان‌های بازنویسی و بازآفرینی شده متون منظوم کهن ادب فارسی برای کودکان دهه ۸۰ و ۹۰ خواهد بود. روش نمونه‌گیری این مطالعه نمونه‌گیری هدفمند می‌باشد و داستان‌هایی از بوستان سعدی برای کودکان دهه ۸۰ و ۹۰ مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. این پژوهش به

حسادت او را بر می‌انگیزد تا حاتم طائی را بکشد. او شخصی را مامور انجام این کار می‌کند. آن فرد وقتی به قبیله بنی طی رسید مهمان خانه فردی مهربان و بخشنده شد و و تا می‌توانست راه و رسم مهمان نوازی را به جای آورد و آنقدر از آن میزبان خود سخاوت و بخندگی دید که شرمند شد. صبح از او نشانی منزل حاتم طائی را گرفت و ماجرای مامویت خود را برای فرد مهربان بازگو کرد. فرد با شنیدن ماجرا گردن خود را نزدیک برد و گفت ای پهلوان فردی که به دنبالش هستی من هستم و در خدمت. گردنم را بزن. پهلوان که تا آن روز چنین شخص مهربان و بخشنده ای را ندیده بود از شرمندگی به خاک افتاد و دست و پای حاتم طائی را بوسید و و به یمن بازگشت.

نویسنده در ابتدا توضیح مختصری درباره حاتم طائی و ویژگی‌های رفتاری او می‌دهد تا مخاطب نوجوان خود را با شخصیت وی آشنا سازد سپس با زبانی دلنشین داستان خود را آغاز می‌کند. به نظر می‌آید نویسنده در این کتاب کوشیده است تا تنها به بازنویسی و در واقع ساده نویسی حکایات اکتفا نکند و در جای جای حکایات، به اقتضای مخاطب نوجوان خود، وارد شده و توضیحاتی برای اطلاع مخاطبش می‌دهد.

ندری در پایان داستان خود پیامی را در دو سطر گنجانده است با این مضمون که «او (حاکم یمن) حالا فهمیده بود فرق بین محبت‌ها و بخشش‌های ریاکارانه او بخشش و مهربانی‌های با اخلاص و بی‌ریای حاتم تا چه اندازه است.» (ندری، ۱۴۰۰)

پادشاه و الاغ‌ها

ندری داستان خود را این گونه آغاز می‌کند که «پادشاهی ظالم زندگی می‌کرد...» در واقع می‌توان گفت شروع داستان‌ها مناسب گروه سنی کتاب است. این حکایت در ۱۳ بازنویسی شده است که این داستان در بوستان سعدی حدود ۷۰ بیت است. نویسنده در این داستان نیز کوشیده است تا به زبان کودکانه و نوجوانان نزدیک باشد. همچنین زاویه دید در این داستان مانند سایر داستان‌های این کتاب، دانای کل نامحدود است.

خلاصه داستان از این قرار است که پادشاهی ظالم دستور می‌دهد تا تمامی الاغ‌های مردم را برای ساختن قصر خود جمع‌آوری کنند. روزی پادشاه که برای شکار از شهر دور افتاده بود، گم شده و از قضا در به خیمه پیر مردی می‌رسد که خری دارند. پیرمرد با دیدن سر و روی پادشاه متوجه می‌شود که او کیست و دست به راز و نیاز با خدا بر می‌دارد و پادشاه ظالم را نفرین می‌کند، پادشاه ظالم صبر می‌کند تا فردا او را پیدا کنند و به محض شدنش، دستور می‌دهد تا پیر مرد را پیش او حاضر کنند. پیرمرد شجاع از کرده خود ابراز ناراحتی نکرده و با جسارت تمام دلایل خود را به پادشاه می‌گوید و پادشاه عصبانی و خشمگین شد. اما پیرمرد با صحبت‌های خود

سعدی، الهام گرفته شده است که در این بخش تنها به بررسی داستان‌های بوستان پرداخته خواهد شد. در این کتاب کودک و نوجوان، نویسنده با دقت و ذوق، داستان‌های پندآموز از این دو کتاب را بازنویسی کرده و به خواننده ارائه می‌دهد.

فاطمه ندری با استفاده از زبانی زیبا و موشکافانه، عبرت‌ها و نکات مهم اخلاقی و انسانی موجود در آثار سعدی را بازآفرینی می‌کند. این کتاب نه تنها به خواننده امکان می‌دهد تا با داستان‌های زیبا آشنا شود، بلکه از طریق پندآموزی‌های جذاب، به تأمل و تفکر درباره مسائل مهم زندگی می‌پردازد.

کتاب حاضر، نسبت به کتاب‌های دیگر بررسی شده در این پژوهش، تصویری به مراتب بهتر از کتب دیگر دارد. نویسنده در طرح روی جلو از شخصیت‌های حکایت‌های بوستان و گلستان و از رنگ‌هایی شاد بهره برده است. در تمام صفحات کتاب نیز نویسنده تصویری از سعدی درحالی که در یک دست کتاب بوستان و گلستان و در دست دیگر شاخه گلی در دست دارد را به کار برده است. همان طور که می‌دانیم که بوستان ده باب دارد و هر باب به موضوعی ربط دارد. ندری در کتاب خود، پس از مقدمه‌ای در باب زندگی نامه سعدی و معرفی کتب او، ۱۳ حکایت از بوستان سعدی را بازنویسی کرده است که در این بخش به بررسی این حکایات پرداخته خواهد شد.

بخشنده‌تر از آن که فکر می‌کنی

درباره حاتم طائی در ادبیات عامه فارسی بسیار سخن گفته شده است و داستان‌ها و حکایت فراوانی در مورد او موجود است. سعدی در کتاب‌های گلستان و بوستان به وی اشاره کرده و درباره دسیسه کشتن وی توسط پادشاه یمن و همچنین آزمودن بخشش وی توسط سلطان روم اشاره‌هایی کرده است. در این کتاب نیز روایتی از دسیسه کشتن حاتم طائی توسط حاکم یمن در بوستان، در ۹ صفحه بازنویسی شده است که نویسنده بسیار ماهرانه آن را برای مخاطب کودک و نوجوان خود بازنویسی کرده است. همچنین باید افزود که نویسنده در این داستان از زاویه دید دانای کل نامحدود استفاده کرده است.

سعدی داستان خود را در بوستان سعدی این گونه آغاز می‌کند:

شنیدم در ایام حاتم که بود
بخیل اندرش بادپایی چو دود
صبا سرعتی رعد بانگ ادهمی
که بر برق پیشی گرفتی همی
بتک ژاله میریخت بر کوه و دشت
تو گفتی مگر ابر نیان گذشت
(بوستان، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

خلاصه داستان از این قرار است که آوازده بخشنده‌گی و سخاوتمندی‌های حاتم طائی به حاکم یمن که فردی بسیار بخشنده بوده است می‌رسد و این تعریف و تمجیدها رشک و

پادشاه را متوجه اشتباهات خود کرد و پادشاه در نهایت از پیرمرد عذرخواهی می‌کند.
شروع داستان در حکایت سعدی این گونه است:

شنیدم که از پادشاهان غور
خران زبر بار گران بی علف
یکی پادشاه خر گرفتی به زور
به روزی دو مسکین شدندی تلف
چو منع کند سفله را روزگار
نهد بر دل تنگ درویش بار
(بوستان، ۱۳۹۰: ۶۸)

در واقع شروع داستان در متن اصلی بوستان از زمانی است که پادشاه الاغ های مردم را گرفته و روزی در پی شکار گم می‌شود اما در روایتی که ندری از این داستان دارد داستان از آن زمانی آغاز می‌شود که پادشاهی تصمیم به ساخت قصری می‌کند که پس از مشورت با معماران الاغ های مردم را برای کارکردن و ساختن قصر خود، به زور جمع آوری می‌کند. گویی ندری برای روایت بهتر داستان برای مخاطب نوجوان خود فلش بک و گذشته نگری به داستان دارد که باعث می‌شود داستانش را از قبل تر ها آغاز کند. روایت هر رخدادی پیش از نقطه آغاز این داستان‌ها، گذشته نگری برون داستانی محسوب می‌شود که به نظر می‌آید نویسنده از تکنیک زمانی در حکایت های بسیار بهره برده است.
اما علی رغم گذشته نگری در این داستان، نمی‌توان این داستان را خارج از نظم زمانی دانست. فاطمه ندری، داستان را از یک مقطع آغاز می‌کند و وقایع پشت سر هم و طبق زمان تقویمی روایت می‌شوند. در پایان داستان نیز نویسنده پیام داستان را در جمله کوتاهی به زبان کودکان بیان می‌کند: « پادشاه تصمیم گرفت ظلم و ستم را کنار بگذارد و با مردم کشورش با مهربانی رفتار کند.» (ندری، ۱۴۰۰: ۳۶)

مرگ و زندگی دست خداست

ندری این داستان را ۱۰ صفحه با زبانی شیرین بازنویسی کرده است. شروع داستان با عبارت « در گذشته مردی...» آغاز می‌شود.

همچنین باید افزود که نویسنده در این داستان از زاویه دید دانای کل نامحدود استفاده کرده است.

سعدی داستان خود را این گونه آغاز می‌کند:

شیی گردی از درد پهلو نخفت
ازین دست کو برگ رز می خورد
طبیعی در آن ناحیت بود و گفت
عجب دارم از شب بیایان برد
که در سینه پیکان تیر تبار
به از ثقل ماکول ناسازگار
(بوستان، ۱۳۹۰: ۲۰۲)

خلاصه داستان از این قرار است که مردی کرد در روستایی

زندگی می‌کرد به یک باره دردی در پهلو خود احساس می‌کند که مرد به سرعت به خانه بر می‌گردد. زن مرد کرد دمنوش و دارو برای او درست کرد اما حال مرد لحظه به لحظه بدتر شد و همسایه های مرد دور او جمع شدند و طبیب آوردند، طبیب بعد از معاینه تشخیص داد که مرد تا صبح زنده نخواهد بود، همه همسایه ها، دوست و آشنایان مرد شب را در آنجا ماندند. اما در کمال ناباوری مرد برای نماز صبح حالش خوب شد همه را با سلامتی خود خوشحال کرد.

در این حین مردی از همسایه ها که برای رساندن طبیب به خانه اش، رفته بود، با چهره ای آشفته وارد شد و خبر مرگ طبیب را آورد .

در نهایت نویسنده پس از روایت داستان پیامی از داستان برداشت می‌کند که با زبانی ساده آن را در سه سطر بیان می‌کند: « بله زندگی و مرگ انسان ها فقط در دست خداست و خدا است که تعیین می‌کند چه کسی تا چه زمانی زنده بماند و چه کسی پایان عمرش رسیده است.» (ندری، ۱۴۰۰: ۴۷)

همیشه نان بازویت را بخور

ندری این حکایت را در ۶ صفحه برای مخاطب خود بازگو می‌کند که داستان خود را با این عبارت « در گذشته مردی...» آغاز می‌کند.

این حکایت در متن اصلی بوستان سعدی این گونه آغاز می‌شود:

یکی روبهی دید بی دست و پای
که چون زندگانی بسر می برد
فروماند در لرف و صنع خدای
بدین دست و پای از کجا میخورد
در این بود درویش شوریده رنگ
که شیری بر آمد شغالی به چنگ
(بوستان، ۱۳۹۰: ۱۰۷)

خلاصه داستان از این قرار است شخصی روباهی را دید که دست و پا نداشت. با دیدن او در این وضع و ساختار جسمانی، از لطف و آفرینش خدا شگفت زده شد. که این روباه بی دست و پا، چگونه زندگی می‌کند؟ بدون دست و پا چگونه غذا می‌خورد و خودش را سیر نگه می‌دارد؟ آن مرد درویش رنگ پریده، همانطور متحیر و مبهور در فکر فرو رفته بود تا اینکه شیری که شغالی را شکار کرده بود، از راه رسید. شیر، شغالی را که شکار کرده بود خورد و از ته مانده ی شکارش، هرچه باقی ماند را روباه خورد و سیر شد. روز بعد هم دوباره این اتفاق تکرار شد که روزی رسان اصلی روباه (یعنی خدا)، غذای کل روز روباه را برایش فراهم کرد.

نویسنده در پایان داستان نیز این گونه نتیجه گیری می‌کند: « آن مرد تازه فهمیده بود که اشکال کار کجاست و اگر خداوند

پادشاه عادل و پادشاه ظالم

خلاصه داستان از این قرار است که در زمانهای قدیم، حاکمی زندگی می کرد که در اثر کهنولت سن، پیر و ناتوان شده بود. این حاکم پیر، دو پسر داشت که هر دوی آنها، دلیر، شمشیرزن، دانا و باهوش بودند. حاکم پیر می دانست که پس از مرگش، پسران او برای رسیدن به حکومت، به جنگ و جدال خواهند پرداخت. لذا تصمیم گرفت که پیش از مرگ، خودش تکلیف آنها را روشن کند. برای این منظور، مملکت را دو قسمت کرد و حکومت بر هر قسمت را به یکی از پسرانش سپرد. روزها و هفته ها و ماهها گذشت تا لحظه موعود فرا رسید و حاکم پیر، جان به جان آفرین تسلیم کرد. با مرگ حاکم، حکومت پسرانش آغاز شد. آنها بدون اینکه به یکدیگر کاری داشته باشند، به حکومت در سرزمین خود پرداختند. آنها چنان به امور حکومتی سرگرم شدند که یکدیگر را به کلی فراموش کردند. حاکم قبل از مرگ به آنها سفارش کرده بود که اگر می خواهند در کار حکومت موفق شوند، باید مردم بیچاره را فراموش نکنند و در هر شرایطی عدل و داد را رعایت کنند. یکی از آن پسرها، به وصیت پدر عمل کرد و کمر به خدمت مردم بست. اما دیگری به روشی که خود می خواست، حکومتش را اداره کرد و در کارش به تنها چیزی که فکر نمی کرد، وضع و حال مردم بیچاره بود. یکی عدل و داد را پیشه کرد و پیش از انجام هر کاری، به خوب و بد آن می اندیشید. اما دیگری شیوه ظلم و ستم را در پیش گرفت و به این وسیله خودش را در چاه ظلمت گرفتار کرد. حاکم عادل، جواهرهای خزانه مملکت را برای بهبود وضع مردم خرج کرد و به دستگیری از بیچارگان و تهیدستان پرداخت. اما حاکم ظالم، برای آنکه بر جواهرات خزانه خود بیفزاید، مالیاتهای سنگین و کمرشکن، از مردم بیچاره گرفت.

به مرور زمان در سرزمینی که حاکم عادل حکومت می کرد، خزانه مملکت خالی شد، اما مردم به آسایش و راحتی رسیدند. حاکم برای افراد فقیر و درویش، خانه و سرپناه ساخت. عدل و داد او باعث شد که اوضاع زندگی همه مردم خوب شود و شادی و سرور و خوشبختی بر همه جا سایه افکند. مردم وقتی عدالت حاکم جوان را دیدند، با او یکدل شدند و در مشکلات و مصیبتها، یار و همراه او بودند. اما حاکم ظالم، روز به روز بر دامنه ثروت و دارایی خود می افزود و می گفت خوشبختی سرزمینش در این است که خزانه مملکت، همیشه پر از طلا و جواهر باشد. او آنقدر دستمزد لشکریانش را کم کرد که به تدریج، مهر حاکم جوان از دل آنها بیرون رفت و در دل با او دشمن شدند. بازرگانان کشورهای همسایه نیز وقتی که شنیدند در آن کشور، ظلم و ستم حکومت می کند، رابطه خود را با بازرگانان آن قطع کردند. خرید و فروش متوقف / و بازارها کساد

مهربان روزی آن روباه را آن گونه و بدون زحمت به او می دهد. به خاطر بی دست و پا بودن و ضعیف و ناتوان بودنش است. اما او که در سلامت کامل به سر می برد، باید خودش تلاش کند و روزی خود را به دست بیاورد. مرد از خانه اش خارج شد تا برای به دست آوردن روزی تلاش کند. (ندری، ۱۴۰۰: ۵۳) همچنین زاویه دید در این داستان مانند سایر داستان های این کتاب، دانای کل نامحدود است.

شمش طلا و مرد عابد

ندری این داستان را در ۷ صفحه برای نوجوانان بازنویسی کرده است و داستان خود را این گونه آغاز می کند: «در گذشته مردی برای شکار...» که به نظر می آید روایت ندری نسبت به متن اصلی بوستان سعدی طولانی است. در واقع نویسنده کوشیده است تا با توضیحات بیشتر داستان را برای مخاطب نوجوان خود زیبا تر و دلنشین تر بازگو کند. همچنین باید افزود که نویسنده در این داستان از زاویه دید دانای کل نامحدود استفاده کرده است.

یکی پارسا سیرت حق پرست
فتادش یکی خشت زرین به دست
سر هوشمندش چنان خیره کرد
که سودا دل روشنش تیره کرد
همه شب در اندیشه کاین گنج و مال
در او تازیم ره نیاید زوال
(بوستان، ۱۳۹۰: ۲۸۹)

این داستان، حکایت مردی عابد است که با وجود ناتوانی و فقر همواره به فکر چاره گری و کمک به مردم بود. اما با پیدا کردن شمش طلایی به فکر امورات دنیایی می افتد و از خداوند دور می شود. در نهایت مرد عابد به خود می آید، شمش طلا را رها می کند و به این نتیجه می رسد که باید آرزوهای شیطانی را رها کند و توجه بیشتری به خداوند داشته باشد.

در پایان ندری پیام داستان را از زبان مرد این گونه روایت می کند: «مرد پرهیزگار به این نتیجه رسید که باید به درگاه خداوند به خاطر اشتباهاتش توبه کند و دست از این آرزوهای شیطانی اش بردارد و به خدا توجه بیشتری کند. چون مال دنیا چرک کف دست است و هنوز نیامده از دست می رود، باید حواسش را بیشتر جمع کند تا شیطان فریبش ندهد و بتواند به درستی خدا را عبادت کند.» در واقع می توان گفت، ندری در این کتاب بر خلاف حسنلو که پیام داستان هایش را در ذیل تیتیری جداگانه تحت عنوان «پیام داستان» بیان می کرد، پیام داستان هایش را از زبان شخصیت های داستان هایش ذکر می کند.

مرد بت پرست و خدای مهربان

به نظر می‌رسد این داستان کوتاه ترین داستان این کتاب باشد که نویسنده آن را در ۳ صفحه به زبانی شیرین بیان کرده است. همچنین باید افزود که نویسنده در این داستان از زاویه دید دانای کل نامحدود استفاده کرده است. سعدی داستان خود را این گونه آغاز می‌کند:

بتی دیدم از عاج در سومات
رمصع چو در جاهلیت سنات
چنان صورتش بسته تمثالگر
که صورت بنند از آن خوبتر
ز هر ناحیت کاروان ها روان
بدیدار آن صورت بی روان
(یوستان، ۱۳۹۰: ۲۷۳)

این حکایت در مذمت بت پرستی و ستایش یکتا پرستی است که خلاصه داستان از این قرار است که مردی بت پرست که همواره با بت کوچک خود راز و نیاز می‌کرد، پس از مدتی که بت کوچک را در برآورده کردن آرزوها و دعاهاى خویش، ناتوان دید، یکتا پرست می‌شود و با تبر خود بت خود را می‌شکند. در این حکایت کوتاه ندری حضور چندانی ندارد و تنها در پایان نتیجه مختصری از این داستان به این شکل ارائه می‌دهد: «مرد بت پرست دیگر بت پرست نبود. او وقتی لطف و مهربانی خدای جهانیان را دید، خداپرست شد و تصمیم گرفت تا آخر عمرش به عبادت خداوند یکتا بپردازد.» (ندری، ۱۴۰۰: ۷۴)

گره طمع کار

ندری این حکایت را در ۶ صفحه بازنویسی کرده است که داستان این گونه آغاز می‌شود: «در گذشته در خانه زن فقیری...». همچنین باید افزود که نویسنده در این داستان از زاویه دید دانای کل نامحدود استفاده کرده است. سعدی داستان خود را این گونه آغاز می‌کند:

یکی گربه در خانه زال بود
که برگشته ایام و بدحال بود
دوان شد به مهمان سرای امیر
غلامان سلطان زندش به تیر
چگان خونس از استخوان میدوید
همی گفت و از هول جان میدوید
(یوستان، ۱۳۹۰: ۲۱۹)

خلاصه داستان از این قرار است: در زمان های قدیم پیرزنی فقیر و تنگدست در شهری زندگی می‌کرد. پیرزن تنها و بی کس بود و جز یک گربه ی لاغر مردنی همدمی نداشت. پیرزن با آن که در فقر و تنگدستی زندگی می‌کرد اما هیچ غمی نداشت. به تکه ای نان خشک و کوزه ای آب سرد راضی بود. در هر چه داشت بخشش می‌کرد و خدا را نیز شکر می‌کرد و

شد. به این ترتیب، کشور ضعیف شد و دشمن که از این وضعیت با خبر شده بود، به آنجا حمله کرد. حاکم ظالم که از ابتدای حکومت خود، کوچکترین خدمتی به مردم نکرده بود، نمی‌توانست انتظار یاری از سوی مردم داشته باشد. او آنقدر ظلم کرده بود که مردم برای فرا رسیدن مرگش دعا می‌کردند. پس کسی یاریش نکرد و شکست خورد. اما بشنوید از حاکم عادل، او که همیشه به فکر مردم بود، در سختی ها نیز مردم را در کنار خود داشت. این دو حاکم پیر شدند و بالاخره مردند. اما حاکم عادل، خوبیهای خود را به عنوان عمل نیک به آن دنیا برد و نامش به نیکی ماند و حاکم ظالم، ظلم و بیدادگری را توشه آخرت خود ساخت و نامش به بدی ماند.

در پایان داستان نیز ندری پیام داستان را از زبان مردم که فهمیدند تنها چیزی که باقی می‌ماند نام نیکو است و شخص ظالم تنها چیزی که نصیبش می‌شود لعن و نفرین مردم است.

زندانی شجاع

ندری این داستان را در ۵ صفحه روایت می‌کند که داستانش را با عبارت: «در گذشته پادشاهی قدرتمند...» آغاز می‌کند. همچنین باید افزود که نویسنده در این داستان از زاویه دید دانای کل نامحدود استفاده کرده است. سعدی داستان خود را این گونه آغاز کرده است:

شنیدم که از نیکمردی فقیر
دل آزرده شد پادشاهی کبیر
مگر بر زبانش حقی رفته بود
ز گردنکشی بر وی آشفته بود
به زندان فرستادش از بارگاه
که زر آزمایش بازوی شاه
(یوستان، ۱۳۹۰: ۷۵)

خلاصه داستان از این قرار است که در گذشته های دور پادشاهی ظالم زندگی می‌کرد که از هیچ ظلم و ستمی به مردم کوتاهی نمی‌کرد، مردی شجاع که از ستم های حاکم خسته شده بود، به مردم گفت که یا باید حاکم دست از کارهایش بردارد یا مردم باید قیام کنند و او را از بین ببرند. وقتی خبر به گوش پادشاه رسید، دستور داد تا مرد را زندانی کنند، مرد شجاع از گفته های خویش ابزار پشیمانی نکرد. پادشاه با دیدن عدم پشیمانی مرد او را حبس ابد کرد اما مرد باز هم از گفته های خود پشیمان نبود و می‌گفت من از هیچ کس غیر از خدا نمی‌ترسم. پادشاه عصبانی شد و دستور داد تا زبان مرد ببرند اما مرد باز هم حرفهای خود را تکرار میکرد و تعجب همگان را برانگیخته بود.

ندری در این داستان برخلاف داستان های پیشین هیچ پیامی را ذکر نمی‌کند.

عاقبت خساست

این حکایت در ۷ صفحه بازنویسی شده است که نویسنده کوشیده است تا به زبانی ساده و شیرین خساست و بخل را مورد مذمت قرار دهد.

این حکایت مردی داستان مرد ثروتمند خسیسی را روایت می‌کند که نه تنها به دیگران کمکی نمی‌کند بلکه خود و خانواده اش نیز از آن استفاده نمی‌کردند و همه در فکر این موضوع بودند که مرد پولهایش را در کجا قایم می‌کند. روزی پسر مرد خسیس متوجه می‌شود که پدرش سکه‌ها را در زیر درختی خاک می‌کند. پسر با خود فکر می‌کند که هر روز چند دانه از سکه‌ها را بردارد و برای اهالی خانه خوراک و لباس‌هایی که تا به حال ندیده بودن را خریداری کند اما بعد از مدتی مرد خسیس متوجه نبود سکه‌هایش شد و به سراغ پسرش رفت و از تمام ماجرا با خبر شد اما پسر مرد خسیس با صحبت‌های خود او را متوجه اشتباه خود کرد.

در این داستان نویسنده مانند سایر داستان‌ها که پیام داستان از زبان شخصیت‌ها بازگو می‌شود، پیامی را بیان نمی‌کند تنها در عبارتی کوتاه نتیجه‌گیری کلی داستان را بیان می‌کند.

شاهزاده مغرور

این داستان در روایت ندری، در ۶ صفحه بازنویسی شده است و همانند سایر داستان‌های این کتاب با عباراتی مناسب با مخاطب نوجوان آغاز می‌شود عبارتی مانند: «در گذشته شاهزاده‌ای زندگی می‌کرد که...» همچنین باید افزود که نویسنده در این داستان از زاویه دید دانای کل نامحدود استفاده کرده است. سعدی داستان خود را این گونه آغاز می‌کند:

شنیدم که مغروری از کبریا مست در خانه بر روی سائل بیست
 بکنجی فرومانده و بنشست مرد جگر گرم و آه از تف سینه سرد
 شنیدش یکی مرد پوشیده چشم بپرسیدش از موجب کین و خشم
 (بوستان، ۱۳۹۰: ۱۱۸)

خلاصه داستان از این قرار است که در این حکایت شاهزاده‌ای زیبا که به خاطر زیبایی و موقعیتش بسیار مغرور می‌شود؛ اما بر اثر حادثه‌ای گردش می‌شکند و کج می‌شود. طبیبان شهر نیز از معالجه وی عاجز می‌شوند، تا این که + بقراط از یونان می‌آید و گردن شاهزاده را درمان می‌کند؛ اما وقتی به غرور بیش از حد شاهزاده پی می‌برد کاری می‌کند که گردن شاهزاده به همان صورت کج باقی بماند.

در این داستان نویسنده هیچ گونه ضروری در داستان ندارد حتی در پایان داستان خود نیز طبق روال داستان‌های گذشته نتیجه‌گیری

زندگی را به سادگی می‌گذرانند. شبها در تنهایی با گربه اش حرف می‌زد و هرچه داشت با آن گربه قسمت می‌کرد. اما گربه از زندگی در فقر راضی نبود.

روزی از روزها گربه ای چاق و چله گربه ی لاغر پیرزن را دید و با او دوست شد. گربه ی چاق وقتی فهمید که دوستش در خانه پیرزنی فقیر زندگی می‌کند دلش به رحم آمد و گفت: چرا آن پیرزن بدبخت را رها نمی‌کنی و با من به مهمانی پادشاه نمی‌آیی؟ گربه لاغر گفت: مگر آنجا چگونه جایی است؟

گربه چاق گفت: آنجا از هر گونه غذاهای لذیذ وجود دارد. من هم از همان غذاها خورده ام که چاق شده ام. گربه ی پیرزن طمع کرد، مشتاقانه این پیشنهاد را پذیرفت و با گربه ی چاق بی ترس به آشپزخانه ی قصر شاه رفت و مقداری غذا خورد وقتی که غلامان شاه او را در حال خوردن دیدند به دنبالش آمدند و به قول معروف تا می‌خورد کتکش زدند.

گربه ی بیچاره لقمه ای را که در دهان داشت رها کرد و پس از کتک خوردن گریخت، ولی غلامان شاه او را ول نکردند و ناگهان تیری به سمت پای گربه زدند، تیر به پای گربه برخورد کرد ولی او از ترس جان باز هم با پای خونی فرار می‌کرد. آن قدر رفت تا به خانه ی پیرزن رسید و ماجرا را برای پیرزن تعریف کرد و با خود گفت: «من به جای آن که چاق شوم چلاق شدم! اگر به همان لقمه نان کم در خانه پیرزن قانع بودم این بلاها سرم نمی‌آمد. گوشت چرب و نرم و مفت و مجانی قصر شاده به اینهمه دردسر و خطر جانی نمی‌ارزد. خدا هم از بنده های قانع بیشتر خوشش می‌آید و هوایشان را دارد.»

حکایت گربه خانه پیرزن همان حکایت بوستان سعدی به نام حکایت گربه و زال است که عاقبت طمعکاری را نشان می‌دهد و نتیجه اخلاقی این داستان قناعت کردن است.

ندری در این داستان نیز مانند سایر داستان‌های خود، نتیجه و پیام داستان را از زبان شخصیت داستانش (گربه) بیان می‌کند: «گربه، گربه با خودش گفت خوب نیست که راضی به قسمت خود نباشم و زیادتز از آنچه روزی من است بخواهم. من در این جا بهترین زندگی را دارم. اگرچه غذاهای خانه پیرزن مانند غذاهای آشپزخانه قصر گوناگون و دل فریب نیست اما امنیتی که در خانه پیرزن است در قصر برای من وجود ندارد. باید خدا را شکر کنم و گول حرف‌های بی پایه و اساس دیگران را نخورم.» (ندری، ۱۴۰۰: ۸۰)

نویسنده در این داستان در جمله ای بسیار هوشمندانه به قصه بودن این داستان اشاره می‌کند و از زبان خود چنین می‌گوید: «گربه بیچاره قصه ما به هر جان‌کدنی بود از معرکه جان سالم به در برد.» (همان: ۸۰) گویا می‌خواهد حضور خود را برای مخاطب به رخ بکشد.

اخلاقی یا پیام داستان از زبان شخصیت های داستان بیان نمی‌شود. گویی خود داستان به اندازه کافی در توانسته است برای کودکان و نوجوانان عاقبت غرور و خود بینی را توضیح و تفسیر دهد.

لقمان حکیم و خانه نیم ساخته

در این داستان نویسنده در ابتدای داستان مانند داستان «حاتم طائی»، درباره شخصیت لقمان حکیم توضیح می‌دهد و او را به مخاطبان نوجوان داستان معرفی می‌کند و پس از آن روایت داستان را آغاز می‌کند. همچنین باید افزود که نویسنده در این داستان از زاویه دید دانای کل نامحدود استفاده کرده است. سعدی داستان خود را این گونه آغاز می‌کند:

شنیدم که لقمان سیه قام بود
نه تن پرور و نازک اندام بود
یکی بنده خویش پنداشتش
زبون دیده در کار گل داشتش
جفا دید و تا جور قهرش بساخت
بسالی سرایی ز بهرش بساخت
(یوستان، ۱۳۹۰: ۱۸۸)

خلاصه داستان از این قرار است که روزی مردی که غلامش شبیه به لقمان بود، فرار کرد. صاحب غلام در حالی که به دنبال برده خود می‌گشت، لقمان را دید و او را کتک مفصلی زد و تلاش های لقمان برای متوجه کردن اشتباه مرد بی نتیجه ماند. مرد با زور لقمان را به یک سال کار گماشت و از او خواست ساختمان نیمه کار خود را به پایان برساند. از قضا پس از پایان یافتن کار ساختمان برده مرد پیدا شد و مرد به دست و پای لقمان افتاد تا از او عذر خواهی کند.

ندری این داستان را در ۴ صفحه روایت می‌کند که نویسنده در پایان داستان این گونه نتیجه گیری اخلاقی می‌کند: «این داستان نشان می‌دهد که لقمان چقدر آدم بزرگی بود که خداوند در قرآن چند بار از او اسم آورده و با احترام از او یاد کرده.»

غیبت ممنوع

ندری این داستان را در ۵ صفحه بازنویسی کرده است و این داستان را نیز با عباراتی مکناسب حال مخاطب نوجوان آغاز می‌کند. همچنین باید افزود که نویسنده در این داستان از زاویه دید دانای کل نامحدود استفاده کرده است. سعدی داستان خود را این گونه آغاز می‌کند:

سه کس را شنیدم که غیبت رواست
وزین درگذشتی چهارم خطاست
یکی پادشاهی ملامت پسند
کز او بر دل خلق بینی گزند
حلاست از او نقل کردن خبر
مگر خلق باشند از او بر خدا
(یوستان، ۱۳۹۰: ۲۴۱)

خلاصه داستان از این قرار است که در روزگاران قدیم، عده ای دور هم نشسته بودند و سخن می‌گفتند. یکی از وضع روزگار می‌گفت و سختی زندگی و دیگری از کساد بازار و تنگی معاش و یکی هم از بیماری و بلا و خلاصه هرکس چیزی می‌گفت. یکی از این جمع درباره کسی که آنجا حضور نداشت، بدگویی کرد. در میان آنها درویشی جهان دیده بود. به او اعتراض کرد و گفت: "از تو سؤالی دارم. آیا تا به حال با بیگانگان جنگ کرده ای؟" مردی که به بدگویی از یکی از آشنایان زبان باز کرده بود، با تعجب پرسید: "جنگ؟ منظورت از جنگ چیست؟" درویش گفت: "منظورم این است که آیا تاکنون در جنگی بر ضد کافران شرکت کرده ای یا نه؟" مرد غیبت کننده گفت: "نه. تاکنون از خانه و شهر و دیارم فراتر نرفته ام." درویش با افسوس رو به او کرد و گفت: "از تو بخت برگشته تر ندیده ام." "مرد غیبت کننده از سخنان درویش، هم متعجب و هم ناراحت شد و پرسید: "منظورت چیست؟ چرا با کنایه صحبت می‌کنی؟ من که منظورت را نمی‌فهمم. مگر کسی که به جنگ نرفته باشد و با کافران نجنگیده باشد، بخت برگشته است؟" مرد درویش گفت: "تو به گفته خودت، در جنگ با کافران شرکت نکرده ای، پس دشمنان اسلام از دست تو درامانند و صدمه ای از تو به آنان نمی‌رسد، چون از چهار دیواری خانه ات پا بیرون نگذاشته‌ای. اما در خانه ات نشسته ای و غیبت کرده ای و زبان به بدگویی از برادری مسلمان باز کرده‌ای. پس مسلمانان از دست زبان تو در امان نیستند." "مرد غیبت کننده با شنیدن این سخنان، به فکر فرو رفت. مرد درویش به او گفت: "این را بدان که در زمان غیبت آشنا، دو چیز از او بر دوستان و رفیقان او حرام است. یکی آنکه مال و دارایی او را بخورند و دیگر اینکه از او به زشتی نام ببرند." درویش سپس رو به سایر افراد جمع کرد و گفت: "به حرف‌های این مرد غیبت کننده، گوش نکنید و با او سخن نگوئید، چون همانگونه که اکنون از فلان دوست بدگویی می‌کند، در جایی دیگر از یک شما بدگویی خواهد کرد."

نتیجه گیری

با رشد ادبیات کودک و نوجوان در چند دهه اخیر، علاوه بر خلق آثار نو، بازنویسی و بازآفرینی آثار کهن برای این گروه سنی، نیز آغاز شد و این داستان‌ها، شکل جدیدی از ادبیات کودک و نوجوان را در ایران به وجود آورد. روشن است پیوند دادن کودکان و نوجوانان ایرانی با گذشته افتخار آمیزشان و واکنش در مقابل موج ترجمه از ادبیات کودکان غربی سبب و انگیزه‌ای در رو آوردن به ادبیات کهن بود.

نگارنده در این پژوهش سعی در بررسی بازنویسی ها و بازآفرینی های ادبیات کهن فارسی برای کودکان و نوجوانان با تکیه بر

استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

منابع فارسی

اخوت، فرزانه. (۱۳۸۹). نگاهی بر بازنویسی‌های مثنوی معنوی برای کودکان و نوجوانان، پژوهشنامه ادب حماسی، ۵(۹)، ۳۹۶-۴۱۷.
آقانوری، فاطمه؛ ریسی، احسان؛ میرباقری فرد، علی اصغر؛ حیدری، محمدحسین. (۱۴۰۰). ارائه الگوی بازنویسی داستان‌های مثنوی مولوی برای کودکان، پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی، ۳(۶)، ۱-۳۶.

بوستان سعدی. (۱۳۹۰). با مقابله نسخه تصحیح شده مرحوم محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات علمی.

پایور، جعفر. (۱۳۸۸). «بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات»، به اهتمام فروغ الزمان جمالی، کتابدار

دسترنج، معصومه، ریاحی زمین، زهرا. (۱۴۰۲). بررسی ساختاری بازنویسی‌های مژگان شیخی از حکایات گلستان سعدی برای کودکان. مطالعات ادبیات کودک، ۱۴(۲)، ۱۱۷-۱۴۴.

ده بزرگی، ژیا. (۱۳۹۷). باز نویسی قصه‌ها با پشتوانه متون داستان دینی برای قصه گوئی، نشریه پویا در آموزش علوم انسانی، ۳(۱۲)، ۶۶-۷۲.

ستاری، فاطمه؛ پاشایی فخری، کامران؛ عادل زاده، پروانه. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی بازنویسی‌های مثنوی مولوی در کتاب‌های کنون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سطح زبانی و فکری، مجله سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی، ۱۵(۵)، ۱۹۹-۲۱۴.

فاضلی، مهیود؛ نصراصفهان‌ی، ریحانه. (۱۳۹۸). بررسی اصول و معیارهای بازنویسی در ادبیات کودکان و نوجوانان (مطالعه موردی: بازنویسی‌های شاهنامه فردوسی)، نشریه مطالعات ادبیات کودک، ۱۰(۱)، ۱۴۹-۱۷۲.

نجفی بهزادی، سجاد. (۱۳۹۹). بازنویسی خلاق یا ساده؟ بررسی داستان‌های بازنویسی شده ویس و رامین، خسرو و شیرین و لیلی و مجنون، نشریه کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، ۲۱(۴۶)، ۱۶۱-۱۹۱.

نجفی بهزادی، سجاد؛ مهری، معصومه؛ علیخانی، زیبا. (۱۳۹۷). نقد و بررسی برخی از حکایت‌های بازنویسی شده عطار برای نوجوانان محورهای موضوعی، فصلنامه نقد، تحلیل و زیبایی‌شناسی متون، ۱(۲)، ۳۳-۵۴.

ندری، فاطمه. (۱۴۰۰). «قصه‌های پند آموز بوستان و گلستان»، تهران: نشر ایرمان.

یوسفی، عاطفه. (۱۳۹۵). اصول بازنویسی داستان‌های متون کهن فارسی به منظور استفاده در برنامه «فلسفه و کودک»، فلسفه و کودک، ۱۳(۲)، ۱۳-۲۵.

منطق الطیر عطا و بوستان سعدی پرداخته است. برای این منظور نویسنده، کتاب‌های «قصه‌های پند آموز بوستان و گلستان» اثر فاطمه ندری را برگزید.

در بررسی کتاب «قصه‌های پند آموز بوستان و گلستان»، این نتیجه حاصل شد که فاطمه ندری با استفاده از زبانی زیبا و موشکافانه، عبرت‌ها و نکات مهم اخلاقی و انسانی موجود در آثار سعدی را بازآفرینی می‌کند. این کتاب نه تنها به خواننده امکان می‌دهد تا با داستان‌های زیبا آشنا شود، بلکه از طریق پندآموزی‌های جذاب، به تأمل و تفکر درباره مسائل مهم زندگی می‌پردازد.

کتاب حاضر، نسبت به کتاب‌های دیگر بررسی شده در این پژوهش، تصویرگری به مراتب بهتر از کتب دیگر دارد. نویسنده در طرح روی جلو از شخصیت‌های حکایت‌های بوستان و گلستان، و از رنگ‌هایی شاد بهره برده است. در تمام صفحات کتاب نیز نویسنده تصویری از سعدی درحالی که در یک دست کتاب بوستان و گلستان و در دست دیگر شاخه گلی در دست دارد را به کار برده است.

نویسنده در بخش‌هایی از کتاب که نیاز ببیند ابتدا توضیح مختصری درباره شخصیت‌های داستان از جمله حاتم طائی یا ابراهیم ادهم» می‌دهد درباره ویژگی‌های رفتاری شان توضیح می‌دهد تا مخاطب نوجوان خود را با شخصیت وی آشنا سازد، سپس با زبانی دلنشین داستان خود را آغاز می‌کند. به نظر می‌آید نویسنده در این کتاب کوشیده است تا تنها به بازنویسی و در واقع ساده نویسی حکایات اکتفا نکند و در جای جای حکایات، به اقتضای مخاطب نوجوان خود، وارد شده و توضیحاتی برای اطلاع بیشتر مخاطبش می‌دهد.

در چند قسمت از داستان‌های این کتاب، گذشته نگری‌هایی دیده می‌شود، اما به رغم گذشته نگری در این داستان، نمی‌توان این داستان را خارج از نظم زمانی دانست. فاطمه ندری، داستان را از یک مقطع آغاز می‌کند و وقایع پشت سر هم و طبق زمان تقویمی روایت می‌شوند. همچنین نویسنده در نهایت داستان‌هایش، پس از روایت داستان، پیامی که برداشت می‌کند را با زبانی ساده بیان می‌کند.

موازین اخلاقی

در این مطالعه اصول اخلاق در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت کنندگان و حفظ اطلاعات محرمانه آنها رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت‌کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند

- Ferdowsi's Shahnameh). Iranian Children's Literature Studies, 10(1), 149-172. doi: 10.22099/jcls.2018.21849.1410. [Persian].
- Najafi Behzadi, S. (2020). Creative or simple rewrite? (Review of Revisited Stories by Weiss & Ramin, Khosrow & Shirin, Lily & Majnoon). Journal of Kavoshnameh in Persian Language and Literature, 21(46), 161-190. doi: 10.29252/kavosh.2020.12932.2664. [Persian].
- Najafi Behzadi, S., Mehri qahfarokhi, M., & Alikhani, Z. (2019). Criticism and Review of some rewritten tales of Attar for teens. Critique, Analysis and Aesthetics of Texts, 2(1), 33-54. [Persian].
- Payor, J. (2007). "Rewriting and re-creation in literature", by Forough Al-Zaman Jamali, librarian. [Persian].
- Saadi Bostan (2014). with the revised edition of the late Mohammad Ali Foroughi, Tehran: Scientific Publications. [Persian].
- Sattari, F., Pashaei Fakhri, K., Adelzadeh, P. (2022). Pathology of Mawlavi's Masnavi rewritings in the books of the Center for Intellectual Development of Children and Adolescents at the linguistic and intellectual level, Journal of Styloogy and Analysis of Persian Poetry and Prose Texts, 15(5), 199-214. [Persian].
- Yousefi, Gh. (2019). Bostan Saadi, Tehran, Andishe Kharazmi Publishing House. [Persian].
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۹۹). بوستان سعدی، تهران، نشر اندیشه خوارزمی.
- فهرست منابع**
- Aghanoori, F., Raisi, E., Mir Bagheri Fard, Ali Asghar; Heydari, M. H. (2022). presenting a model of rewriting Mawlavi Masnavi stories for children, Interdisciplinary Literary Research, 3(6), 1-36. [Persian].
- Akhovat, F. (2009). A look at the rewritings of the spiritual Masnavi for children and teenagers, Adab Hamasi Research Journal, 5(9), 396-417. [Persian].
- Chapman, S., & Chapman, S. (2020). Literary Rewriting. The Pragmatics of Revision: George Moore's Acts of Rewriting, 15-30.
- Dastranj, M., & Riahizamin, Z. (2024). A review and an analysis of story elements in rewriting several Golestan's stories for children. Iranian Children's Literature Studies, 14(2), 117-144. doi: 10.22099/jcls.2023.46824.1977. [Persian].
- Deh Bozorghi, J. (2017), rewriting stories with the support of religious story texts for storytelling, Poesh Publication in Human Sciences Education, 3(12), 66-72. [Persian].
- Destranj, M., Riahi Zemin, Z. (2023). Structural analysis of Mojgan Sheikhi's rewritings of Golestan Saadi's stories for children. Children's literature studies. [Persian].
- Fazeli, M., & Nasre Esfahani, R. (2019). A Study of Principles and Criteria of Rewriting in Children and Young Adult Literature (Case Study: Rewritings of